

## نقد و بررسی سه ترجمه معاصر

(مطالعه موردی: الهی قمشه ای، فولادوند، آیتی)

ابراهیم فلاح<sup>۱</sup>

معصومه شمسی پور<sup>۲</sup>

### چکیده

این مقاله با عنوان نقد ترجمه های معاصر قرآن کریم، مطالعه موردی سوره نبأ را با هدف تلاش برای تبیین مفاهیم صحیح قرآنی از زبان مبدأ به زبان مقصد به قدر طاقت بشری و تأثیر مثبت آن بر مخاطبان قرآنی با استفاده از روش کتابخانه ای و منابع لغوی و تفسیری به ترجمه دقیق تر و مناسب تر آن همت گماشته است. شیوه کار در این پژوهش به این صورت است که با روش توصیفی-تحلیلی و جمع آوری اطلاعات به روش فیش نگاری و با هدف دستیابی به ترجمه دقیق تر درصد کنکاش در آسیب شناسی فنی-ادبی سه ترجمه مذکور است. نتیجه ی حاصل از این تحقیق نشان می دهد که: در مقایسه سه ترجمه ی ذکر شده ترجمه آقای فولادوند از مطابقت و شیوایی بهتری نسبت به سایر ترجمه ها با متن مقدس قرآن کریم را دارا می باشد و مناسب تر به نظر می رسند.

**کلید واژه ها:** قرآن، سوره نبأ، ترجمه، نقد

---

۱- استادیار گروه زبان عربی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری fallahabrahim@gmail.com

۲- کارشناس ارشد علوم قرآنی mshamsipoor94@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۳/۲ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۴/۲۰

## مقدمه

ترجمه ی قرآن کریم از جمله تلاشهای بی نظیر و پربرکتی است که پژوهشگران قرآنی بر آن همت گمارده اند و کاری بسیار دشوار و مسئولیت آوری است. چرا که مصداق ابلاغ پیام های الهی و دعوت به سوی خدا و توحید ناب است که خداوند فرموده است «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ» (الاحزاب، ۳۹) لذا می طلبد که مترجمان با نگاه دقیق و احاطه کامل نسبت به قواعد ترجمه و تفسیر دست به ترجمه قرآن زنند تا بتوانند ترجمه ای استوار از قرآن کریم را ارائه دهند. رسیدن به اهداف ترجمه در صورتی میسر است که مترجم شرایطی چون: امانتداری، معادل یابی، تسلط بر هر دو زبان مبدأ و مقصد، تخصص در موضوع و دیگر شرایط را داشته باشد. بی تردید متن هرچه قدر علمی تر و پربار تر و با ارزش تر باشد بدیهی است که ترجمه آن هم حساس تر و دشوار تر است. باید اذعان داشت که دشوارترین کار در زمینه ترجمه، ترجمه کتاب آسمانی همچون قرآن است. در این مقاله سه ترجمه ی معاصر مشهور و ارزنده قرآن کریم موردی سوره نبأ مورد بررسی و نقد قرار می گیرد و تا حد امکان به نکته هایی در ترجمه ی قرآن کریم اشاره میشود که مورد غفلت مترجمان قرار گرفته و باعث تکمیل و تصحیح ترجمه ی قرآن کریم می شود و همچنین راهگشایی برای مترجمان بعدی که تلاش نمایند با دقت و توجه افزون تری به ترجمه ی قرآن کریم پردازند.

## معرفی اجمالی سوره مبارکه «نبأ»

سوره نبأ مکی و دارای ۴۰ آیه است. این سوره به نامهای دیگری مثل معصرات و تسائل، عم نیز شهرت دارد و متضمن خبر از آمدن یوم الفصل و صفات آن، استدلال به حقیقت و تردید ناپذیری در وقوع آن است. تأکید بر دواصل توحید و معاد محوراصلی آیات آغازین سوره نبأ است. (شهیدی پور و مستفید، ۱۳۹۵، ۵۸۲)

### تقدیر برسی سے ترجمہ معاصر ۶۵۱۱۱

اکثر سوره های جزء آخر قرآن در مکه نازل شده و آیه ها همگی جز در موارد معدودی کوتاه، مملو از اشارات است به همین دلیل تأثیر بسیار عمیقی روی هر فرد آگاه، می گذارد سوره نبأ نیز از این اصل کلی مستثنا نیست. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۶/۲۶) در روایات است که حضرت علی (ع) به عنوان یکی از مصداق «نبأ عظیم» معرفی شده است. (بحرانی، ۱۳۱۶ق، ۵/۵۶۴)

انتخاب این سوره با توجه به آیات کوتاه آن که دارای مضامین بلند و معارف عالی است غالباً نکات ظریف و اشارات متفاوتی را از لحاظ لغوی و ساختاری می تواند در آن مشاهده کرد. لذا سه ترجمه از مشهورترین مترجمان معاصر جهت نقد و بررسی در این پژوهش معین گردیده که هر کدام ویژگیها و تفاوت های مختص به خودشان را دارا می باشند. اکنون ترجمه های یادشده از سه دیدگاه، مفردات (لغوی) ساختاری (قواعد صرف و نحوی)، حذف و اضافات نابجا، مورد بررسی و ارزیابی قرار داده می شود.

#### ۱- عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ (۱)

ترجمه فولادوند: درباره چه چیزی از یکدیگر می پرسند؟

ترجمه قمشه ای: مردم از چه چیز مهمی پرسش و گفتگو می کنند؟

ترجمه آیتی: از چه چیز می پرسند؟

#### اشکالات:

۱- **صرف و نحو:** «ما استفهامیه» برای سؤال از غیر عاقل به کار می رود به معنای «چه چیز - چه» هر گاه مای استفهامیه به وسیله یکی از حروف جرمجورور گردد الف آن حذف می شود تا بین آن و مای موصوله تمیز داده شود. اما اگر مای موصوله باشد و مجرور هم باشد دیگر الف آن حذف نمی گردد. (زرکوب، ۱۳۷۸، ۱۸۷؛ سیوطی، ۱۳۸۲، ۲/۶۰۷)

در این آیه مای استفهامیه بوسیله حرف جرّ «عن» مجرور گردیده و «عن» در این آیه به معنای «من» است. (سیوطی، ۱۳۸۲، ۲/۵۶۸)

۱۱۶۶ // فصلنامه مطالعات تفریحی / سال دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۶ شماره ۱ و ۲

در ترجمه های آقای فولادوند بهتر بود حرف جر «عن» را به معنای «از» ترجمه می کردند.  
«از چه چیزی»

## ۲- حذف و اضافه ی نابجا:

در ترجمه آقای قمشه ای کلمه ی «مردم» زائده است. بنابراین به نظر می رسد ترجمه آقای آیتی در این آیه از مطابقت بهتری برخوردار است.

### ۲- كَلَّا سَيَعْلَمُونَ (۴) ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ (۵)

ترجمه فولادوند: نه چنان است، به زودی خواهند دانست. باز هم نه چنان است، به زودی خواهند دانست. ترجمه قمشه ای: چنین نیست که منکران پنداشته اند بزودی خواهند دانست و البته به زودی آگاه می شوند.

ترجمه آیتی: آری، به زودی خواهند دانست. باز هم آری، به زودی خواهند دانست.

## اشکالات:

### ۱- مفردات:

«کلا» اگر بعد از جمله ی خبریه بیاید حرف ردع و زجر است به معنای منع نمودن و بازداشتن است (ذهنی تهرانی، بی تا، ۳۴۸) «کلا» - با تشدید حرف (ل) یعنی (هرگز) که در رد کردن، راندن و باطل نمودن سخن گوینده است. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵، ۴/۷۷) سیبویه و بیشتر علمای نحو گفته اند، حرفی است که معنای آن ردع و زجر است. (سیوطی، ۱۳۸۲، ۲/۵۸۶) به نظر می رسد که این معنا همان معنای ردع باشد. در ترجمه آقای آیتی «کلا» به معنای ردع نیامده است بلکه به معنای حرف جواب (آری) ترجمه شده است بهتر بود «نه چنین است»، یا «چنین نیست» ترجمه می شد.

## ۲- حذف و اضافه نابجا

### تقدیر و بررسی ترجمه معاصر ۶۷۱۱۱

در ترجمه قمشه ای اضافات تفسیری وجود دارد بهتر بود آنها را داخل پرانتز قرار می دادند. بنابراین به نظرمی رسد ترجمه استاد فولادوند در این آیه نسبت به سایر ترجمه ها از مطابقت خوبی برخوردار است.

### ۳- أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا (۶)

ترجمه آقای فولادوند: آیا زمین را گهواره ای نگردانیدیم؟  
ترجمه قمشه ای: آیا ما زمین را مهد آسایش خلق نگردانیدیم؟  
ترجمه آیتی: آیا ما زمین را بستری نساختیم؟

#### اشکالات:

#### ۱- مفردات:

مهد و مهد -جائی است که مانند گهواره آماده پرورش است. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵، ۴/۲۶۱؛ افراسیابی، ۱۳۹۰، ۱۷) مهد، المهد: مکانی که برای خواب کودک آماده می شود و مهد اسم جمع از مهد است. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ق، ۴/۳۱) بنابراین بهتر بود در ترجمه ای آقای قمشه ای واژه مهدا به معنای بستر و یا گهواره معنا می شد.

#### ۲- حذف و اضافه نابجا:

بنابراین به نظرمی رسد ترجمه ی آقای فولادوند در این آیه از مناسبت بهتری برخوردار است.

### ۴- وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا (۹)

ترجمه فولادوند: و خواب شما را (مایه) آسایش گردانیدیم.  
ترجمه قمشه ای: و خواب را برای شما مایه ی قوام حیات و استراحت قرار دادیم.  
ترجمه آیتی: و خوابتان را آسایشتان گردانیدیم.

#### اشکالات:

#### ۱-۲- مفردات و صرف و نحو

۱۶۸ // دو فصلنامه مطالعات تعدادی / سال دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۶ شماره پانزدهم

«سباتاً» قطع عمل کردن برای استراحت است و از آنست روز شنبه یعنی روزی که عمل را بنا بر عادتشان در شریعت موسی (ع) تعطیل می کردند. (طبرسی، ۱۳۶۰، ۲۶/۲۲۶) اصل سبت یعنی قطع کردن و بریدن

سبات: یعنی خواب و اصل آن آسایش و راحتی است و در این آیه، یعنی قطع کردن. (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ۳۷/۲)

در ترجمه های سه مترجم، بهتر بود سباتاً به صورت نکره ترجمه می شد و همچنین در ترجمه ای آقای آیتی سباتاً به صورت جمع معنا شده، بهتر بود به صورت مفرد و نکره معنا می شد.

جعل به معنای قرار دادن، معنای حسی می دهد و یک مفعولی است. اما اگر جعل دلالت بر رجحان (ظن و گمان) کند و یا دلالت بر تصویر یا تحویل کند متعدی دو مفعولی است. (ابن عقیل، ۱۳۷۴، ۱/ ۴۲۸ - ۴۲۷) جعل در صورتی که به معنای خلق باشد متعدی یک مفعولی است. به معنای «ساختیم» یا «پدید آوردیم و خلق کردیم» می باشد. جعل در این آیه به معنای تصویر است که دو مفعولی و «سباتاً» مفعول دوم جعل می باشد. (افراسیابی، ۱۳۹۰، ۲۱؛ سید طنطاوی، ۱۳۷۶، ۲۵؛ صافی، ۱۴۱۲، ۳۰ - ۲۹/۲۱۵). بهتر بود در ترجمه آقای قمشه ای فعل «جعل» را به معنای تصویر می گرفتند.

بنابراین به نظر می رسد که معنای آیه چنین باشد. «و خوابتان را آسایشی گردانیدیم.»

## ۵- وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا (۱۱)

ترجمه فولادوند: و روز را (برای) معاش (شما) نهادیم.

ترجمه قمشه ای: و روز روشن را برای تحصیل معاش آنان مقرر داشتیم.

ترجمه آیتی: و روز را گاه طلب معیشت.

### اشکالات:

#### ۱- مفردات و صرف و نحو

### تقدیر و بررسی ترجمه معاصر ۶۹۱۱۱

کلمه «عیش» زندگی و حیاتی که مخصوص جانداران است (اعم از انسان و حیوان) و عیش اخصّ از حیاة است زیرا حیات در مورد خدا، حیوان و فرشته به کار می رود. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵، ۲/۶۷۲) کلمه ی معاش، مصدر میمی و هم اسم زمان و مکان از عیش است و در آیه ی مورد بحث به یکی از دو معنای اخیر است یعنی زمان و یا مکان عیش، و معنای آیه این است که: ما روز را زمان زندگی شما و یا محل زندگی شما قرار دادیم، تا در آن از فضل پروردگارتان طلب کنید. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲۰/۲۶۲) بنا بر احتمال اینکه معاش مصدر میمی به معنای زندگانی کردن باشد باید مضافی در تقدیر گرفت. طلب معاش (همان ۲۶۲، قرشی، ۱۳۷۱، ۵/۸۳) بنابراین معنای اسم زمان یا مکان مناسب تر است. (افراسیابی، ۱۳۹۰، ۱۸). ملاحظه می شود که در تمام ترجمه های یادشده به این نکته توجهی نشده است. بهتر بود واژه «معاشاً» را به زمان زندگی یا مکان زندگی ترجمه می نمودند. در ترجمه آقایان: فولادوند، آیتی، قمشه ای اصلاً معادلی برای واژه «معاش» به زبان مقصد قرار ندادند.

واژه «معاشاً»: در ترجمه آقایان، فولادوند، قمشه ای و آیتی بعنوان مصدر میمی ترجمه شده و در ترجمه آقای فولادوند «معاشاً» به عنوان مصدر میمی، مضاف در تقدیر در ترجمه ذکر نشده است بهتر بود «معاشاً» را به معنای اسم زمان ترجمه می کردند.

**۳- حذف و اضافه نابجا:** در ترجمه آقای آیتی و مکارم فعل «جعلنا» ترجمه نشده است و در ترجمه ی آقای قمشه ای واژه «النهار» تعبیر به «روزروشن» شده است. «روشن» صفت برای روز است. بهتر بود آن را در ترجمه قید نمی کردند. چراکه معادلی برای آن در متن مقدس وجود ندارد. به نظر می رسد ترجمه صحیح آیه چنین باشد. «و روز را زمان زندگی گردانیدیم.»

### ۶- وَجَنَاتٍ أَلْفًا (۱۶)

ترجمه فولادوند: و باغهای درهم پیچیده و انبوه.

۷۰ // دو فصلنامه مطالعات تعدادی / سال دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۶ شماره ۱ و ۲

ترجمه قمشه ای: و باغهای پر درخت پدید آوردیم .

ترجمه آیتی: و بستانهای انبوه.

### اشکالات:

#### ۱- مفردات، صرف و نحو:

جنات: باغها جمع مؤنث سالم مفردش «جَنَّة» می آید. الفاف: در هم پیچیده جمع مکسر و مفردش «لفیف» (افراسیابی، ۱۳۹۰، ۲۱) «لف» به معنای پیچیدن و جمع کردن (قرشی، ۱۳۷۱، ۶/۱۹۸)

لف: پیوسته به یکدیگر و ناگسسته «لَفَتَ الشَّيْءُ لَفًّا» آنرا پیوسته و پیچیده کردم! این آیه در وصف بهشت است که از بسیاری درختان باغاتی بهم پیوسته است (راغب، ۱۳۷۵، ۴/۱۴۳) الفافاً: یعنی پیچیده و از همین باب است، «لَفَفْتُ مِنَ الْأَشْجَارِ» یعنی درختان بهم پیچیده شدند. (درویش، ۱۴۲۴، ۸/۱۹۴) و نیز این واژه نعت برای «جنات» می باشد. بنابراین در ترجمه آقای قمشه ای عبارت «پر درخت» معادل مناسبی برای «الفافا» نمی باشد بهتر بود آن را به «در هم پیچیده و انبوه» معنا می کردند. ضمن این که این آیه عطف بر آیه ی قبلی است فعل «نخرج» به قرینه ی لفظی نیامده است بهتر بود که در ترجمه آقایان فولادوند و آیتی به معنای آن اشاره می شد.

«بنابراین به نظر می رسد ترجمه صحیح آیه چنین باشد: «و باغهایی (با درختان) در هم پیچیده برویایم»

#### ۷- يَوْمَ يُنْفَخُ فِي السُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا (۱۸)

ترجمه فولادوند: روزی که در صور دمیده شود، و گروه گروه بیایند.

ترجمه قمشه ای: آن روزی که در صور بدمند (تا مردگان زنده شوند) و فوج فوج به محشر در آیند.

ترجمه آیتی: روزی که در صور دمیده شود و شما فوج فوج بیاید.



## اشکالات:

### ۱- صرف و نحو:

يُنْفَخُ: فعل مضارع مجهول از ثلاثی مجرد است (افراسیابی، ۱۳۹۰، ۲۳)

در ترجمه ی آقای قمشه ای به صورت معلوم ترجمه شده است بهتر بود این فعل را به صورت مجهول ترجمه می کردند عبارت «آن روزی که» در ترجمه آقای قمشه ای اشاره به معرفه بودن آن کرده است بهتر بود کلمه ی «آن» را در ترجمه ذکر نمی کردند، چرا که معادلی برای آن در آیه نیست. در جمله «فتاتون افواجا» سیاق را طبق سیاق سابق خطابی کرد تا حق و عید و تهدیدی که جمله «کلا سیعلمون» متضمن آن است را ادا کرده باشد. (طباطبایی، ۲۰/۱۳۷۴/۲۶۸) ملاحظه می شود در ترجمه آقای قمشه ای و فولادوند فعل «فتاتون» بصورت غایب ترجمه شده است. درحالی که این فعل در صیغه ی جمع مذکر مخاطب است.

### ۲- حذف و اضافه ی نابجا:

مشاهده می شود در ترجمه ها حرف عطف «فاء» نادیده گرفته شده است. در ترجمه آقای آیتی نیز اضافات تفسیری دارد بهتر بود آنها را داخل پرانتز قرار می دادند. به نظر می رسد ترجمه صحیح آیه چنین باشد. «روزی که در صور دمیده شود و شما گروه گروه بیایید»

### ۸- إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا (۲۱)

ترجمه فولادوند: (آری) جهنم (از دیرباز) کمینگاهی بود.  
ترجمه قمشه ای: همانا دوزخ در کمین (کافران و بدکاران) است.  
ترجمه آیتی: جهنم در انتظار باشد.

## اشکالات:

### ۱- مفردات، صرف و نحو:

۷۲ // دو فصلنامه مطالعات تعدادی / سال دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۶ شماره پیل و پنجم

جهنم: چاه عمیق است. از اسماء آتش که خداوند به آن بندگانش را عذاب می کند. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۱۲/۱۲؛ طریحی، ۱۳۷۵، ۳۱/۶) جهنم: خانه عذاب، آتش برافروخته شده الهی، دوزخ نامیده میشود. (قرشی، ۱۳۷۱، ۲/؛ راغب اصفهانی، ۱۳۷۵، ۱/۴۲۷) در ترجمه آقایان فولادوند و آیتی بهتر بود واژه «جهنم» را به زبان مقصد ترجمه می نمودند.

المرصد: اسم مکان است یعنی رصدگاه. مرصاد مثل مرصد است ولی مرصاد جای انتظار با تَرَصُّد یعنی چشم داشتن است. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵، ۷۷/۲) ازهری گوید: «مرصاد» مکانی است که دشمن در آن کمین می کند (طبرسی، ۱۳۶۰، ۲۶/۲۳۵) علامه نیز می فرماید: مرصاد مانند مرصد اسم مکان است اما مرصاد تنها به آن محلی که برای این کار آماده شده اطلاق می شود. (طباطبایی، ۲۰/۱۳۷۴، ۲۷۰) بنابراین بهتر بود در ترجمه ی آقای قمشه ای و آیتی، مرصاد را به معنای محل کمین و یا کمینگاه ترجمه می نمودند.

فعلهایی که برای توصیف قیامت به صورت ماضی آمده است را می توان مضارع معنی کرد. (بهرام پور، ۱۳۹۰، ۵۸۲) در ترجمه ی آقای فولادوند بهتر بود فعل ماضی «کانت» را به صورت مضارع ترجمه می نمود تا مفهوم حال و استمرار را برساند.

## ۹- لَا بَشِيرَ فِيهَا أَحْقَابًا (۲۳)

ترجمه فولادوند: روزگاری دراز در آن درنگ کنند.

ترجمه قمشه ای: در آن قرنهای عذاب کشند.

ترجمه آیتی: زمانی دراز در آنجا درنگ کنند.

## اشکالات:

### ۱- مفردات، صرف و نحو

### تقدیر و بررسی ترجمه معاصر ۷۳۱۱۱

اللبث و اللبث: المکث یعنی درنگ کردن، ایستادن (طریحی، ۱۳۷۵، ۲/۲۶۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۲/۱۸۲)

«لابثین» از ریشه ی «لبث» می باشد «لبث بالمکان» در آنجا اقامت گزید و ملازم آن مکان شد (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵، ۴/۱۰۷) در ترجمه آقای قمشه ای، عبارت «عذاب کشند» معادل صحیحی برای واژه «لابثین» نمی باشد بهتر بود به معنای «درنگ کنند» یا «بمانند»، ترجمه می شد. واژه ی «احقاب» جمع مکسر است به معنای سالیان دراز پی در پی، مفردش حُقب یا حُقب است (افراسیابی، ۱۳۹۰، ۲۷) احقاب: به معنای زمانهای بسیار و روزگاران طولانی است که آغاز و انجام آن مشخص نباشد این کلمه جمع است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲۰/۲۷۱) مفرد آن «حقب» است یعنی دهر و روزگار و نیز «حقبه»، سخن صحیح و درست این است که «حقبه» مدت زمانی نامعین است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵، ۱/۵۲۴) بنابراین در ترجمه ی آقایان فولادوند و آیتی واژه «احقبا» به شکل مفرد ترجمه شده است که بهتر بود جمع آورده می شد. در ترجمه آقای قمشه ای نیز بهتر بود واژه «احقبا» به معنای روزگاران دراز یا زمانهای طولانی معنا می شد. «لابثین» حال منصوب از «طاغین» است. (سید طنطاوی، ۱۳۷۶، ۷۸۷؛ صافی، ۱۴۱۲ق، ۲۹، ۳۰/۲۱۹) بهتر بود حالیه بودن آن در جمله منعکس می شد که در هیچکدام از ترجمه ها به آن توجه نشده است. به نظر می رسد معنای آیه چنین باشد «در حالیکه (سرکشان) در آن (دوزخ) روزگاران درنگ کنند».

### ۱۰- جَزَاءٌ وِفَاقًا (۲۶)

ترجمه فولادوند: کیفری مناسب (با جرم آنها)

ترجمه قمشه ای: که با کیفر اعمال آنها موافق است

ترجمه آیتی: این کیفری برای کردار

### اشکالات:

۱- مفردات، صرف و نحو، حذف و اضافه نابجا:

(وفق): یعنی مطابقت و همسانی میان دو چیز، پاداشی برابر (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵، ۴/۴۷۱) کلمه «وفاقاً» مصدری است به معنای اسم فاعل (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲۰/۲۷۲) در اصل مصدر سماعی است برای باب مفاعله به معنای سازگار بودن و مناسب بودن اما در اینجا برای رساندن مبالغه به معنای وصفی (موافق) به کار رفته است (افراسیابی، ۱۳۹۰، ۲۸) در ترجمه آقای آیتی واژه «وفاقاً» به طور واضح ترجمه نشده است و همچنین در ترجمه آقای آیتی بهتر بود اسم اشاره «این» را در ابتدای ترجمه ذکر نمی کردند و واژه «جزاء» را تنها به صورت نکره می آوردند. در ترجمه آقای قمشه ای نیز علاوه بر وجود اضافات، بهتر بود واژه «جزاء» را به معنای کیفری یا پاداشی ترجمه می نمودند تا نکره بودن این واژه بهتر منعکس شود. بنابراین به نظر می رسد ترجمه آقای فولادوند در این آیه نسبت به سایر ترجمه ها از مطابقت خوبی برخوردار است.

#### ۱۱- فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا (۳۰)

ترجمه فولادوند: پس بچشید که جز عذاب، هرگز (چیزی) بر شما نمی افزایم.  
ترجمه قمشه ای: پس بچشید که هرگز بر شما چیزی جز رنج و عذاب دوزخ نیفزایم.  
ترجمه آیتی: پس بچشید که جز شکنجه ای شما نخواهیم افزود.

#### اشکالات:

##### ۱- مفردات:

عذاب: عقوبت، شکنجه، طبرسی آن را استمرارالم خواند. اصل آن به معنی منع است و عذاب را از آن جهت عذاب گویند که از راحتی و آسایش منع می کند و آن را از بین می برد. (قرشی، ۱۳۷۱، ۴/۳۰۹) عذاب: گرسنگی سخت و شدید (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵، ۲/۵۷۱) مجازات سخت و عقوبت (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱/۵۸۵) هر کس که او را چیزی منع کرد پس او را شکنجه داد. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۲/۱۰۳) بهتر بود در ترجمه آقایان فولادوند و قمشه ای کلمه عذاب را دقیق تر و به زبان مقصد ترجمه می کردند.

## ۲- صرف و نحو:

در زبان عربی برای منفی کردن مستقبل، از لَن + فعل مضارع استفاده می شود (معروف، ۱۳۸۴، ۲۰۱) در ترجمه ها به جز ترجمه آقای آیتی به این نکته مهم توجه نشده است. بهتر بود فعل مضارع منفی و منصوب «لَن نَزِیدَکُم» را به معنای مستقبل منفی ترجمه می کردند.

## ۳- حذف و اضافه نابجا:

در ترجمه ی آقای آیتی «لَن» که به معنای نفی ابدی است ترجمه نشده است. بهتر بود عبارت «هرگز» را در ترجمه لحاظ می کردند. در ترجمه آقای قمشه ای نیز اضافات تفسیری وجود دارد که بهتر بود آنها را داخل پرانتز قرار می دادند. همچنین در ترجمه آقایان قمشه ای، واژه «عذاب» به زبان مقصد ترجمه نشده است. بنابراین به نظرمی رسد ترجمه درست آیه چنین باشد: «پس بچشید که هرگز بر شما جز شکنجه نخواهیم افزود.»

## ۱۲- وَکَوَّاعِبَ أَثْرَابًا (۳۳)

ترجمه فولادوند: و دخترانی همسال با سینه های برجسته.  
ترجمه قمشه ای: و دخترانی که همه در خوبی و جوانی مانند یکدیگرند.  
ترجمه آیتی: و دخترانی همسال، با پستان های برآمده.

## اشکالات:

۱- مفردات و صرف و نحو: «الکواعب» جمع «کاعب» و آن دختر و دوشیزه جوانی است که در سن بلوغ پستانهای او بزرگ و ظاهر شده است و رو به رشد نهاده (طبرسی، ۱۳۶۰، ۲۶/۲۴۷؛ راغب اصفهانی، ۱۳۷۵، ۴/۳۳؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲۰/۲۷۴) واژه «اترب» جمع مکسر «ترب» که اکثرا در مورد مؤنث به کار برده می شود (افراسیابی، ۱۳۹۰، ۳۴) و آن دختر بچه های هم سالند که با یکدیگر با خاک بازی می کنند (طبرسی، ۱۳۶۰، ۲۶/۲۴۷) و همچنین به دو نوازدی که با هم بزرگ می شوند و تشبیهی از تساوی و همانندی

آنها به استخوان دنده های سینه است که ردیف شده و یکنواختند (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵، ۳۴۲ / ۱)

بنابراین «اترب» جمع «ترب» است که بمعنای مثل (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲۰ / ۲۷۴) و هم سن و سالان - همزادن می باشد (افراسیابی، ۱۳۹۰، ۳۳). در ترجمه آقای قمشه ای معادل دقیق و مناسبی برای واژه «کواعب» ذکر نشده است. بهتر بود «کواعب» را به معنای «سینه های برجسته» یا «سینه های برآمده» ترجمه می نمودند. همچنین «اترب» صفت برای «کواعب» است (صافی، ۱۴۱۲، ق، ۲۹، ۳۰ / ۲۲۲؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ۲۶ / ۲۴۸).

### ۱۳- جَزَاءٌ مِنْ رَبِّكَ عَطَاءٌ حِسَابًا (۳۶)

ترجمه فولادوند: (این است) پاداشی از پروردگار تو، عطایی از روی حساب. ترجمه قمشه ای: این (نعمت های ابدی) مزدی به عطاء و حساب پروردگار توست. ترجمه آیتی: و این پاداشی است کافی، از جانب پروردگارت.

#### اشکالات:

۱- مفردات و صرف و نحو: عطا و عَطِيَّةٌ: مخصوص جایزه دادن است. «إعطاء»: «بخشش» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵، ۲ / ۶۱۶) که اسم مصدر است یا مفعول مطلق برای فعل محذوف یا مصدر است در موضع حال از فاعل «یسمعون» و هم می تواند بدل از «جزاء» و منصوب باشد (صافی، ۱۴۱۲، ق، ۲۹-۳۰ / ۲۲۳؛ سید طنطاوی، ۱۳۷۶، ۷۸۸)

حسابا: ابو عبیده و جبائی گویند: یعنی کافی (طبرسی، ۱۳۶۰، ۲۶ / ۲۵۰) یعنی پاداش به تنهایی حساب نیست بلکه به اندازه کفایت و حق است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵، ۱ / ۴۸۲). «حسابا» مصدری است به معنای اسم مفعول و صفت است برای «عطاء» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲۰ / ۲۷۴). در ترجمه آقای فولادوند، قمشه ای برای واژگان «عطاء» و «حسابا» معادلی مناسب به زبان مقصد ذکر نشده است و در واقع همان واژگان را در ترجمه آورده اند. در ترجمه آقای آیتی «حسابا» را صفت برای «جزاء» ذکر کرده اند در حالی که «حسابا» صفت برای

### تقدیر برسی سه ترجمه معاصر ۷۷۱۱۱

«عطاء» می باشد (سید طنطاوی، ۱۳۷۶، ۷۸۸؛ صافی، ۱۴۱۲ق، ۲۹ - ۳۰/۲۲۳؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲۰/۲۷۴)

**۳- حذف و اضافه نابجا:** در ترجمه آقای آیتی واژه، «عطاء» ترجمه نشده است. واژه «این» در ابتدای ترجمه اضافی است بهتر بود در ترجمه آقایان قمشه ای و آیتی داخل پرانتز قرار می گرفت. همچنین عبارت «جانب» در ترجمه آقای آیتی اضافه تفسیری به شمار می رود و بهتر بود آنرا داخل پرانتز قرار می دادند. بنابراین به نظر می رسد ترجمه صحیح این آیه چنین باشد: «پاداشی است از پروردگارت بخششی کافی (یا شمرده)»

### **نتایج مقاله**

ترجمه قرآن کریم با توجه به عظمت و مفاهیم بلندی که دارد یکی از مشکل ترین و پربارترین متن مورد ترجمه می باشد. لذا برای اینکه از بسیاری، ضعفها و اشکالات و غفلت‌ها پرهیز شود، بهتر است به صورت گروهی ترجمه گردد باید اذعان داشت که مترجمان قرآن کریم هرکدام تلاش وافری را در جهت گسترش و ابلاغ مفاهیم بلند قرآن داشته اند. اما ترجمه این متن مقدس به صورت فردی کمتر می تواند مفاهیم بلند آیات را به نحو احسن به مقصد برساند.

با توجه به نقد و بررسی به عمل آمده از سه مترجم توانا و مشهور نتیجه بر آن شد که ترجمه ی آقایان فولادوند نسبت به سایر ترجمه ها از نظر مطابقت با متن مقدس و هماهنگی با آن بهتر و مناسب تر است. زیرا در این ترجمه به صورت واضح و روان تطابق کاملتری دیده شده و از عبارات مشکل و با گرایش افراطی به فارسی و عربی گرایی مفرط به دورند و نیز در معادل سازی و مطابقت متن به نحو شایسته تری به زبان مبدأ وفادار می باشند. همچنین از اضافات تفسیری کمتری نسبت به سایر ترجمه هابرخوردار است. و در بیشتر مواقع این اضافات داخل پرانتز قرار گرفته و از ترجمه ی اصلی متن جدا شده است. ترجمه استاد

۱۱۷۸ // فصلنامه مطالعات قداذبی / سال دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۶ شماره ۱۱ و ۱۲

قمشه‌ای علی‌رغم شهرت و محبوبیت آکنده از اشتباهات علمی و معناییست. ترجمه استاد آیتی از دقت آرمانی و صد در صد برخوردار نیست و نارسایی‌های قابل توجه‌ای در آن مشاهده می‌شود.



### کتابشناسی

- آیتی، عبدالمحمد. (۱۳۷۴). ترجمہ قرآن کریم، تهران: انتشارات سروش، چ چهارم.
- الہی قمشہ ای، مہدی. (۱۳۷۵). ترجمہ قرآن کریم، تهران: انتشارات نقش و نگار، چ اول.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴). لسان العرب، بیروت: دار صادر، ج ۱۵، ۱۲، ۴، ۵، ۲، ۳، ۱.
- افراسیابی، علی. (۱۳۹۰). فروغی از قرآن، قم: انتشارات نھاوندی، چ پانزدہم.
- ابن عقیل، محمد محیی الدین عبدالحمید. (۱۳۷۴). شرح ابن عقیل، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ج ۱، ۲.
- بحرانی، سیدہاشم. (۱۴۱۶). البرہان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت، چ اول، ج ۵.
- درویش، محیی الدین. (۱۴۲۴). اعراب القرآن و بیانہ، بیروت: دار ابن کثیر، چ ہفتم، ج ۸.
- ذہنی تهرانی، سید محمد جواد. (بی تا). **الافاضہ شرح فارسی برہدایہ**، قم: مؤسسہ نشر مطبوعات حاذق.
- راغب اصفہانی، ابوالقاسم حسین بن محمد. (۱۳۷۵). ترجمہ و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، مترجم سید غلامرضا خسروی حسینی، ج ۱، ۲، ۳، ۴، تهران: انتشارات مرتضوی، چ دوم.
- زرکوب، منصورہ. (۱۳۷۸). روش نوین فن ترجمہ، اصفہان: انتشارات مانی، چ سوم.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن. (۱۳۸۲). الاتقان فی علوم القرآن، ج ۲، تصحیح محمد ابوالفضل ابراہیم، تهران: انتشارات امیرکبیر، چ چہارم.
- شہیدی پور، محمدرضا و مستفید، حمیدرضا. (۱۳۸۸). قرآن کریم مصحف محشی، انتشارات اسوہ، چ اول.
- صافی، محمود. (۱۴۱۲). الجدول فی اعراب القرآن و صرفہ و بیانہ، ج ۲۹، ۳۰، قم: انتشارات مدین، چ اول.
- طبرسی، فضل بن حسن طبرسی. (۱۳۶۰). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲۶ و ۱، تهران: انتشارات فراہانی،
- طنطاوی، محمد. (۱۳۷۶). معجم اعراب الفاظ القرآن الکریم، تهران: مؤسسہ نشر نگرش، چ اول.
- طباطبائی، محمد حسین. (۱۳۷۴). المیزان، ج ۲۰، قم: انتشارات اسلامی، چ پنجم.
- طریحی، فخر الدین. (۱۳۷۵). مجمع البحرین، ج ۱، ۲، ۳، ۶، تهران: کتابفروشی مرتضوی، چ سوم.

۸۰ // دو فصلنامه مطالعات تقداری / سال دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۶ شماره پیل و پنجم

فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰). العین، ج ۸، ۷، ۶، ۴، ۲، تحقیق مهدی مخزومی، ابراهیم سامرائی، قم: انتشارات هجرت، چ سوم.

فولادوند، محمد مهدی. (۱۴۱۵). ترجمه قرآن کریم، تهران: دارالقران الکریم، چ اول.

قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن، ج ۶، ۵، ۱، ۲، ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ ششم.

معروف، یحیی. (۱۳۸۴). فن ترجمه، قم: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) چ پنجم.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، ج ۲۶، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ اول.